

2712
E

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين



M. Mss. 472



[Faint, mostly illegible handwritten text in Arabic script, possibly a library inventory or a list of contents.]

Call. 141 Box 65 H. 50
472

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



لحمده الله الذي اوضح لنا مناجح الهدى بمناجح الكلم ومبج
الظم سيد الورى محمد الذي بشره الانبياء جميع الامم و
اهل بيته الاطهرين الذين هم معادن الكرم وسادة العرب
والعجم وبقا لهم ثمة نظام العالم صلوات الله وسلامه عليه
وعليهم ما انفقا راضاء ولبلى اعظم **امام** **مكي** بن محمد سيمت ربنا
جوة القلوب لطف خادمه لخير راعته الطاهر محمد باقر بن محمد تقى حشرهما الله
مع مواليهما الاخيار در بيان وجوب امام عليه السلام ومنصوب يكون او
از جانب مملكت عظام وعصمت او از كفايان صغره وكبره والنفس او نصف

در این الحیوة و غیر آن تحقیق آن کرده اند ایہ ہفتہ تاویل آیات سورہ والتین است
والتین والرتون گفتند کہ حق تعالیٰ سوگند یاد کرده است بانجیر ورتون زیرا کہ
انجیر میوه پاکیزہ است سبج المرصم و دوائی است کثیر النفع ورتون میوه است کہ نان
خوش است و روغن لطیف دارد و منافع در آن هست و بعضی گفته اند ہم در کوه است
و طور سینین یعنی کوی کہ حضرت موسیٰ در آن کوه مناجات کرد با حق تعالیٰ و هذا
البکد الامین و بحق این شهر کہ ہر کہ در آن داخل میشود امین است یعنی کہ تعظم
لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم یعنی تحقیق کہ آفریدم آدمی را در
نیکوترین اندامی بحسب صورت و معنی الات الدین آمنوا و عملوا الصالحات
مگر آنکہ ایمان آورده اند و اعمال نیکو را کرده اند فلہم اجر غیر ممنون پس مر
ایش از است نزدی کہ ہر کہ منقطع نمیکرد در فایکذ بک بعد بالذین پس
بچہ چیز تکذیب میکنند تو را بنجیر دادن بعد از اینہ دلائل واضحہ الیس اللہ با حکم
الحاکمین آیا نیست خدا حکم کنندہ ترین یا حکیم ترین حکم کنندہ کما و در تاویل
این سورہ احادیث قریبہ وارد شدہ است چنانچہ علی بن ابراہیم روایت کردہ است کہ تین
حضرت رسول است ورتون حضرت امیر المومنین است و طور سینین حضرت حسین است

و مراد بان در این سوره البکر است ۷ با سفل در کاتب حجیم میرود و الدین آمنوا صدق
حضرت امیر المومنین ۱۴ فلسفه جبر غیر ممنون یعنی خدا منت نمیکند را در ایشان در
ثوابها که بایشان عطا میکند پس خدا به پیغمبرش خطاب کرد که پس بچه چیز تو را
تکذیب میکنند بدین یعنی با امیر المومنین ۱۴ او امامت او و این مامیاری بسیار
روایت کرده است که تین حسن است و زینون حسین است و طور سنین حدیث
ابطال است و بلد امین سید المرسلین است زیرا که هر کس اطلعت او کند
از عذاب خدا ایمن است لقد خلقنا الانسان مراد ابو بکر است که خدا
پیمان گرفت از او از بر خود به پروردگاری و از بر محمد به پیغمبری و از بر او صیاح
او امامت و بحسب ظاهر اقرار کرد پس چون غصب حق ال محمد کرد بایشان
کرد آنچه کرد خدا او را بر گردانید بدرک اسفل حشر و الدین آمنوا و حمل الصالحات
پس امیر المومنین است ۱۴ و شیعیان ایشان فرمایند بکتاب حضرت فرمود که تا چنانکه
افسوس بکتاب بعد الدین و مراد بدین ولایت امیر المومنین است و در خط
روایت کرده است که تین مدینه است و زینون بدایت المقدس است و طور سنین
کوفه است و بلد امین مکه است مترجم گوید که بنا بر این تا ویلی که در این اخبار

بایشان میکرده اند و خلافتی نیست میان جمیع فرق حضرت امیر المومنین ۱۲
اعلم بود از جمیع صحابه و کلینی و صفار و این ما هیار و ابن شهر آشوب و دیگران
بسنده بسیار از حضرت باقر و صادق علیه السلام روایت کرده اند
الذین یعلمون ما یمیم و الذین لا یعلمون دشمنان مایند و شیعیان ما اولوالباب اند
و نیز میکنند میان ما و دشمنان ما میدانند ما سزاوارتریم بخلافت از دشمنان
ما و صفار روایت کرده است که از حضرت صادق ۴ پرسیدم از تفسیر این آیه فرمود
ما یمیم میدانیم و دشمنان ما ندانند و اولوالباب شیعیان مایند و کلینی بسنده و شوق
روایت کرده است از عثمان بن ابی طالب که گفت پرسیدم از صادق ۴ از تفسیر قول حق
تعالی و اذا مضی الا لشان ضرد غاربه منینا الیه یعنی هرگاه آدمی
عارض شود حالت بدر بخواند پروردگار خود را در حالتیکه بازگشت کننده است
بسور او حضرت فرمود که این آیه در شان ابوبکر نازل شده است حضرت رسول ص
جاد و کر میدانست چنانچه بیمار او را در میگرداد ظاهر او غامیکرد و اظهار بازگشت
می نمود
از آنچه در حق حضرت رسول ص میگفت ثم اذا حوله نعمة منه پس چنانچه عطا میکرد خدا
باونعمتی از جانب خود فرمود یعنی عافیت می یافت از آن بیماری و نسی ما کما کان

ید عوالیه من قبل فراموشش میکرد خدا را بسو او دعا میکرد و پیشتر حضرت فرمود
فراموشش میکرد و توبه را بسو خدا نمیکرد از آنچه در حق رسول میگفت که او سحر است
و از این جهت است که خدا فرمود قل تمتع بکفرک قليلا انک من اصحاب النار
بگو یا محمد ۳ بهره مند شو بکفر خود اندک زمانی بدستی که تو از اصحاب جهنمی فرمودی که مرا
بکفران خلافتی بود که بناحق دعوی کرد بر مردم و حق علی را غصب کردند از جانب خدا
خلیفه بودند و نه از جانب رسول پس کافر شد پس حضرت فرمود که بعد از این خدا گردانید
سخن را بسو علی و خبر داد مردم را بحال او و فضیلت او و تر خدا پس گفت امین هو
قانت انا و اللیل ساجدا و قائما بحذر الاخرة ویرحمه الله ربی ایا
ما ویت ان کافرا ان کسیکه عبادت کنند و دعا خوانند است در عتبات
گاه در سجده و گاه ایستاده در حالتیکه حذر میکند و میترسد از عذاب آخرت و امیدوار
میدارد رحمت پروردگار خود قل هل یستوی الذین یعلمون فرمود که یعنی ایا ما و
آنها میدانند که محمد رسول خداست و آنها که میگویند او جاد و کرم و روح کوست این است
تأویل این آیه عیار و حق تعالی میفرماید و تلک الامثال تضربها الناس
و ما یعقلها الا العالمون یعنی این مثلها را میزنیم از برای مردم و تعقل میکنند

نه هیچ و عمره از مسائل حرام و حلال و در بصایر از حضرت صادق ۴ روایت
 کرده است که شجره سدره المنتهی است و رسول خدا ۱۲ پنج است و علی
 بلندی آن است و فاطمه فرخ است و امامان از ذریه فاطمه است و چهار آنند و
 ایشان بر کسها آنند و میوه آن که در هر جن میوه بد علوی است که در هر
 ائمه سوال میکنند جواب میکنند پس رسید که چرا انرا منتهی میکنند فرمود زیرا
 والله دین خدا بآن منتهی میشود هر که برک آن درخت نیست مؤمن نیست
 و از شیعه مانیت و عیاشی از حضرت صادق ۴ روایت کرده که شجره طیبه
 مثله است که خدا بر اهل بیت پیغمبرش زده است و شجره خبیثه مثله
 که برای دشمنان ایشان زده است و در مجمع البیان از حضرت باقر ۴ روایت
 کرده است که شجره خبیثه مثل بنی امیه است و احادیث بسیار دارد
 در تفسیر قول حق تعالی و مَا جَعَلْنَا الرَّؤْيَا الَّتِي أَرَىٰ نَاكَ الْآفِتْنَةَ
 لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآنِ وَتَحْوِیْهِمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا
 طُغْيَانًا كَبِيرًا یعنی نگردانیدیم آن خواب را که نمودیم بنو مکر فتنه و استیلا
 از برادر مردم و نگردانیدیم شجره ملعونه را در قرآن مگر امتحانی از برادر مردم

و من ترس بنم ایست از او زیاد نمیکند نرسانیدن مایست از امر لغیان بخت
که شجره ملعونه سلسله بنی امیه اند چنانچه عیاشی و دیگران بسندهای بسیار
از حضرت امیر المؤمنین ع و حضرت باقر و صادق ع روایت کرده اند شجره ملعونه
سلسله بنی امیه اند چنانچه عیاشی روایت کرده و ایضا بسندهای بسیار
از حضرت صادق ع روایت کرده اند در تفسیر این آیه که رسول خدا خواب
دید که جماعتی بر منبر او بالا میروند و مردم را از دین بر میگردانند حضرت جبرئیل
این آیه را آورد که ابو بکر و عمر و بنی امیه بر منبر تو بالا خواهند رفت و مردم را از
دین بر خواهند گردانید و ایضا عیاشی روایت کرده است از حضرت
صادق ع که روزی حضرت رسول مخزون و غمگین بیرون آمد صحابه
از سبب آن سؤال کردند فرمود که ما منب در خواب دیدم که اولاد
بنی امیه بر منبر من بالا میروند پس از حق تعالی سؤال کردم که در حیات
من خواهد بود فرمود که بعد از وفات تو خواهد بود و بر روایت دیگر دوازده
نفر از بنی امیه را دیدم که بر منبر من بالا رفتند و شیخ طبرسی روایت
کرده است که سی و نه نفر از بنی امیه بر منبر بالا میروند و بزرگی آمدند بعد از

ان بخندان نشد تا از دنیا رفت و در حدیث صحیفه کامله از حضرت
صادق ^ع منقول است که روزی حضرت رسول ^ص خوابی در روی بود و در وقتیکه
بر بالاسنبل بود پس در خواب دید مرا این چند را که بر منبرش بر میخاستند
مانند بر جستن بوزینه و مردم را از پس پشت بر میگردانیدند پس حضرت
بیدار شد و آثار حزین و اندوه از روی مبارکش ظاهر بود پس جبرئیل
این آیه را آورد و شجره ملعونه را به بنی امیه تفسیر نمود و شیخ طبرسی در احتجاج
ج روایت کرده است در ضمن مناظره که حضرت امام حسن ^ع با معاویه ^و
اصحاب او علیه السلام فرمود یا مروان بن حکم گفت که خدا لعنت کرده است
تو را و پدر تو را و خویشان و فرزندان تو را و آن لعنت باعث زبانی
کفر و طغیان و عصیان نمائند خواجه حق نعم فرموده است که و الشجره
الملعونه فی القرآن و تخوفهم فماینید هم الا طغیانا کبیرا ای مروان
تو و فرزندان ان شجره ملعونه ای که خدا شما را لعنت کرده است
و ما که اهل قرآنیم و ظاهر و باطن قرآن را میدانیم از ان شجره ایم که خدا
در وصف ان فرموده است اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِی السَّمَاءِ تُؤْتِی

۴۷۹
اکلها کل حین باذن ربها یعنی ظاهر میشود علوم قرآن از مادر هر زمان
از برای مردم و دشمنان، اهل شجره ملعونه اند که میخواهند اطفال کنند و فرو نشا
نند نور را بدینها خود و خدا بسته نور را انعام میکند، بچند باکنند و بخوابند
کافران و منافقان و اگر میفرمیدند منافقان معنی این آیات را که بیان کرد
بر آینه از قرآن مراند اختند چنانچه انداختند از قرآن آیات بسیار که در
ملح ما و ملت است دشمنان با صریح بود مترجم گوید که تا ویدای که در این احادیث
شریفه وارد شده است انطباق آنها بر آیات کریمه غایت صنوع دارد که معلوم
که حق تعزده است برابر ایمان و علم حق امور است که موجب سعادت دنیا
و عقبا میکند و آنها را تشبیه بدختری فرموده است زیرا که حق تعالی در اکثر آیات
لذات روحانیة را بلذات جسمانیة که همت قاهران مقصود بران است
مثل زده در امور معقوله را با امور محسوسه که منبع علم جاهلان همان است
و تشبیه نموده پس علم و ایمان و احوال صالحه را تشبیه فرموده است بدخت
ثابت محکم که سر باسمان کشیده در یثنه ان درخت حضرت رسالت
پناه است که منبع جمیع کمالات است و چنانچه جمیع اجزای درخت از

ریشه خذل میخورند و تربیت مینمایند جمیع ائمه و انبیا ایشان در خور اشباح
بان جناب از او بهره مند میگردند و ساق این درخت حضرت امیر المومنین ^{علیه السلام}
که لؤلؤ خوان درخت است و نمایش درخت بآنست و سایر اجزاء متوسط
ان بهره میبرند حضرت فاطمه ^{علیها السلام} بمنزله شاخ بزرگ ان درخت است که در ^{سطح}
اشباح جمیع ائمه است بحضرت رسالت او متوسط نور ان حضرت
بایشان سرایت کرده است و شوشن خوار دیگر که از شاخ بزرگ رسته است
مثل سایر ائمه ^{علیهم السلام} که متوسط این ثمرات علوم رسالت بخلق میرسد و انوار
مصطفوی و مرتضوی همه در این مجمع گردیده و هر که چنگ در یکی از ان
نخوارند با سمان رفعت و کمال مرتفع میگردند و علوم ایشان که بخلق
میرسد و قلوب ارواح شیعیان بآنها تربیت و قوت مییابند مثلاً
میوم ان درخت بلند نخت است و شیعیان که حافظ و حامی و قابل
ثمرات علوم ایشانند و خود در ممالک فدای ایشان میکنند
و علوم و معارف ایشان را از دیگران بنهوان میدارند بمنزله برگهای
ان شجره النبیة الثمرة اند که ان میوم از حضرت باد و حرارت آفتاب

و کرد و غبار حراست به نمایند و انهار را در میان خود پیون میدارند
و اعدا خبیثه ایشان را بان شجره خبیثه و شجره ملعونه تشبیه فرمود و بعضی
از آن ملاعن بمنزله ریشه اند مثل ابو بکر و عمر و بعضی بمنزله شاخند مثل
بنی عباس و امثال ایشان و شیعیان کمره ایشان بمنزله برگه های آن
درخت اند و میوه آن درخت عبارت از شریات و شکوک و علوم باطله ایشان
بمنزله حنظل ناگوار است که قاتل اهل ضلالت است و مثال شجره اولی
شجره طوبی است که در بهشت اهلش در خانه امیر المومنین است و در
خانه نماز شیعیان شاهی از آن هست یا سدره المنتهی است و مثال
شجره ثانی در آخرت شجره زقوم است که از جبهه میروید و میوه اش طعام
دشمنان اهل بیت است و در این مقام سخن بسیار است و این کتاب
کفایش ذکر زیاده نداشت و فصل سیم و دوم در بیان تاویل آیات
هدایت است بائمه ع و در این معنی آیات بسیار است اول و مَن
خَلَقْنَا امَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ یعنی از آنها که خلق
کریم امتی و جماعتی هستند که هدایت میکنند مردم را بحق و بحق

هر که اعراض کند و بگرداند از ذکر من پس بدستیکه از برابر او هست
 در دنیا یا در جهنم زندگانی تنگی و محسوس میگردد و نیم او را در قیامت کور
 حدیث بسیار کلینی و دیگران روایت کرده اند که اگر خدا ولایت علی بن
 ابیطالب است ۱۲ و علی بن ابراهیم از حضرت صادق ۱۳ روایت
 کرده است که این آیه در شان ناصبیه است آن است که در جهت
 خوراک ایشان عذر خواهد بود بجز آن که بگوید که در دنیا میخورند و
 و این معذور و دیگران روایت کرده اند که زندگانی شک فشار قبر است
 و ایضا کلینی از حضرت صادق ۱۴ روایت کرده است که ذکر خدا در این
 آیه ولایت امیر المؤمنین است هر که اعراض کند از ولایت آن حضرت
 در قیامت کور محسوس میشود چنانچه در دنیا دلش کور بوده است
 از ولایت علی و حیران بوده است در دین خود در آخرت کور چشم
 و حیران خواهد بود آیه هفتم قال رب له حشر تنی العلی وقد کنت
 بصیرا گوید پروردگار اچرا مرا حشر کردی کور و حال آنکه در دنیا
 نابینا بودم قال کذا لک انتک ایاتنا فی سبیلها و کذا لک الیوم تنسی

جبرئیل باینز نوح نازل گردانیده و مراد محمد و عیسی و اوصیاء فرزندان ایشان
 منتهی جمیع کتب که از این احادیث شریفه ظاهر شد که خواه انتم باشد و خواه
 کنیم و خواه خیر ائمه باشد و خواه خیر ائمه خطاب با ائمه اینان
 رسول است صلوات الله علیه و مراد ایشانند و اگر خطاب جمیع
 امت باشد باز خیریت آنها با متبار است که ایشان در میان
 امت هستند و از سیاق آیات کریمه معلوم است که مراد جز ایشان نیست
 نیست سیم و آن هدیه امتکم واحدة و انما ربکم فاتقون یعنی
 و آنکه این امت شما ایند که امت واحدند و منزه و در کار شمایم پس
 بیپرویزید از عذاب من و اکثر مفسران گفته اند مراد از امت امت است
 و این امپار و این شهر آشوب از حضرت باقر عار وایت کرده اند
 که مراد از امت آل محمدند ۳ چو ارم و جعلنا منهم ائمة یهدون
 بامرنا الا صبرا و اوکانوا بآیاتنا یوقنون یعنی و گردانیدیم ایشان را
 امامان و پیشوایان که هدایت میکنند با سر و چشم خبر گردند و بودند
 که آیات ما یقین داشتند و در جاسر دیگر میفرماید بعد از ذکر

فرعون و شکرها و جعلناهم ائمة يدعون الى النار و يوم القيمة
لا ينصرون و اتبعناهم في هذه الدنيا لعنة و يوم القيمة هم من
اللقوبون یعنی و گردانید یکم ایشانرا اما آن که میخوانند مردم را بسوی
آتش جهنم و در روز قیامت بارگرفته میشوند و از پراشتن فرستیم
در این دنیا لعنت را و در روز قیامت نشت گردانیده شد مانند
علی بن ابراهیم و کلینی و صفار و ابن ماهیار و دیگران بسندهای
بسیار روایت کرده اند از حضرت باقر و صادق علیه السلام که امام در کتاب خدا
و امام است زیرا که فرموده است و جعلنا منکم ائمة یهدون بامرنا
فرمود که یعنی مردم با امر می کنند نه با امر مردم مقدم میدانند امر خدا را
پیش از امر خود و حکم خدا را پیش از حکم خود و در جابر دیگر فرموده است
و جعلناهم ائمة يدعون الى النار یعنی پیشوایان کفر و ضلالت اند
مقدم میدانند امر خود را پیش از امر خدا و حکم خود را پیش از حکم
خدا و بخوابش خود حکم میکنند برخلاف کتاب خدا و در سایر
بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که نمیشد

و اگر کسی نوه کم کند که آیه اول بعد از ذکر حضرت موسی ۴ و بنی اسرائیل
وارد شده است و شبیه بان در موضع دیگر بعد از ذکر اسحاق و یعقوب
و سایر انبیاء وارد شده است و آیه دوم بعد از ذکر فرعون و جنود او واقع
شده است پس چنانچه تواند بود که قول در شان اهل بیت ۴ و در و تم در شان
دشمنان ایشان باشد جواب آنست که مکرر مذکور شد که حق تعالی
کدشکان را در قرآن برابران ذکر میفرماید که این امت بانها
منتظر گردند و نظیر آنها را در این امت جاری گردانند پس ظاهر آیه
در شان آنهاست و بطن آیه در شان نظیر ایشان در این امت
و نظیر انبیا و بنی اسرائیل در این امت حضرت رسول است ۳
و اما آن بعد از او ۴ و نظیر دشمنان آنها مانند فرعون و قارون و
نمرو است و شباه ایشانند از این امت ابوبکر و عمر و عثمان
و سایر خلفاء جور و اعدای اهل بیت ۴ باشند پس از آنجا
که فرعون و یامان و قارون ابوبکر و عمر و عثمان اند و عمر سامر این
امت است و ابوبکر و عمر و عثمان این امت را اینک در آیات قرآن بسیار

که قول آید در شان کسی است و آخر آید در شان دیگر است پنجم و
 و کذا لک جعلنا کم امة وسطا یعنی و همچنین گردانیدیم شما را
 امت میان را به بهتر تا بوده باشید گواهان بر مردم و در احادیث
 بسیار از ائمه منقول است که ایم امت وسط و ایم گواهان
 بر خلق او و حجت خدا در زمین او و در این باب احادیث بسیار
 گذشت ششم و کل شیء احصیاه فی امام مبین یعنی در هر چیزی احصا
 کرده ایم در پیشوای بیان کننده و اکثر مفسران گفته اند که مراد از امام مبین
 لوح محفوظ است و در احادیث بسیار از ائمه اطهار منقول است
 که امام مبین علی بن ابیطالب است که حق تعالی علم همه چیز را در او
 جاریه است و در معانی الاخبار از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است
 که هر چه این آیه بر حضرت رسول ص نازل شد بویگر و عمر بر خواستند و
 سوال کردند که یا رسول الله! اکنون به بیان تو را است فرمودند گفتند
 پس قرآن است فرمودند پس در الوقت حضرت امیر علیه السلام
 شد حضرت فرمود این است ان اما می که خدا همه چیز را در او

پس انجیل است فرمودند گفتند

احصا کرده است و بر این مضمون احادیث بسیار است که آن شلواته
در احوان آن حضرت مذکور خواهد شد فصل سی و چهارم در نزول سلم
و اسلام در ائمه و شیعیان ایشان ۲۰ او ان چند آیه است اول یا ایها
الذین امنوا ادخلوا فی السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشیطان
انه لکم عدو مبین یعنی از جماعتیکه ایمان آورده اند داخل شوید
در سلم یعنی در اطاعت و انقیاد همگی و پیروی نکنید کامهای
شیطان را بدینگونه او دشمن شما را دشمنی است آشکار کنند و دشمنی
خود را وعیا نشی روایت کرده است بسند ما بسیار که سلم
ولا یت علی بن ابیطالب است ع او امان و او صبار بعد از او
و معرفت ایشان واقرا با ما است ایشان و خطرات شیطان
والله ولایت ابو بکر و عمر و عثمان است و کلینی و ابن ماهیار و
ربیع در دیگران نیز از این مضمون بار وایت کرده اند مترجم گوید که این
تاویل در نهایت ظهور راست زیرا که هیچ خطاب با مؤمنان نیست
خطاب کردن ایشان را که در اسلام داخل شوید معنی ندارد پس

که حضرت امیر المومنین ^ع فرمود که منم آن رجل که سال بودم برادرش
 خدا ^ص در حدیث دیگر فرمود که یک نام من در قرآن مستقیم است سیم
 وان جنحو للمسلم فاجنح لها وتوکل علی الله هو التسمیع العلیم یعنی
 و اگر میل کنند بسوی من و انقیاد پس میل کن بسوی من و توکل کن
 بر خدا بدستگیر او است شنو او را تا مفسران گفته اند که نیز آیه منخ
 شده بایه قتال یا مخصوص اهل کتاب باشد تا که از ایشان چیزی قبول
 توان کرد و طبعی پسند معتبر از حضرت صادق ^ع روایت کرده است
 که مسلم داخل شدن در امر است یعنی قبول کردن امامت مندرجه اول
 بنا بر این تاویل میتواند بود که ضمیر راجع بمنافقان باشد یعنی اگر آن بنا
 بظاهر اظهار قبول امامت علی بن ابیطالب ^ع میکنند قبول کن از ایشان
 هر چند رای که در باطن منافقند و در مقام حیل و مکنز فصل سی و پنجم
 در بیان آنکه ایشانند خلفا خدا که میخواهد ایشان را متمکن گرداند
 زمین و وعده نصرت ایشان داده است و بعضی از آیات
 که زینات قایم ال محمد ^ص نازل شده است در این آیات بسیار است

اول تلو اعلیٰک من نبأ موسی و فرعون بالحق النور یؤمنون ان
فرعون علانی الارض و جعل اهلها شیعا یستضعف طائفة
منهم یدبح ابناهم و یستی نسائهم انه کان من المفسدین
و نزلت من علی الدین استضعفوا فی الارض و نجعل الراضین
و نلک لهم فی الارض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما کانوا
یحذرون یعنی منجانیم بر تو از خبر موسی و فرعون بحق و راستی بری
کرد و همیکه زبان مرآ و ندید استیکه فرعون بلند سر داشت در زمین و گردانید
اهل زمین و فرقه را مختلف ضعیف میداشت کرد و بی از ایشان
پسران ایشان روزنه میگذاشتند ان ایشان را بر خدایت کردن
بد استیکه نواز افساد کنندگان بود و میخا هم که منت گذاریم بر آنها
یعنی که ضعیف گردانیده بودند در زمین و بگردانیم ایشان را پیشوایان و
بگردانیم ایشان را و ارثان و متمکن گردانیم ایشان را در زمین و بنماییم خود
و امان را و شکر را ایشان را از ایشان آنچه بودند که چم داشتند از ان
و علی بن ابراهیم گفته است که خبر دار خدای غمخور را بآنچه رسیده

موسی و اصحاب او از فرعون و از کشتن و ستم کردن ان تا آنکه تبت
باشد از برای این حضرت در آنچه باهل بیت او خواهد رسیدند ستم کردن
و کشتن بعد از تبت دادن بشت دادن حضرت را که بعد از این ^{ظلم}
که بر ایشان واقع شود تفضل خواهد کرد بر ایشان و ایشان را خلیفه خود گردانند
در زمین و امامان و پشوالان خواهد تشریف بر ایشان را بر امت و در رجعت ایشان را
یار شمنان ایشان بدینا بر خواهد گردانید که تا انتقام بکشند از ایشان
پس فرمود و رسیدن ان من تا آنجا که گفت و نری فرعون و امان و خوارها
و اینها کتایه است از انرا که غصب کردند حق ال محمد یعنی ابوبکر
و اتباع ایشان من بعد یعنی از ال محمد ص ما فانوا یحذرون یعنی آنچه
حذر میکنند از انرا که از کشته شدن و عذاب و اگر مرار غلبه موسی بود
بر فرعون بایست ضمیر مفسر بر یاد در زنه ضمیر جمع پس زنه موسی و از زنه
بر سبیل مثال است یعنی چنانچه فرعون مدتی ستم کرد بر موسی
و اصحاب او آخر او را ضفر را بریم بر آنرا و انرا را هلاک کردیم همچنان
انواع ستمها و کشتن و نابود کردن از فراغه این است باهل

بیت رسالت صلوات الله علیهم خواهد رسید و در آخر این نوبت از شما
ایشان بدینا بر خواهیم گرانید که از اینها انتقام بکشند و تحقیق که حضرت
امیر المومنین ۴ در بعضی از خطبها اشاره باین محل کرده است و فرموده است
اینها الناس اول کسیکه بغی کردند بر خدا در روی زمین عناق دشمن آدم
بود حق تعالی بیت نکشت از برای او خلق کرده بود و در هر گشتی دواخن
در از داشت مانند دوا س بنی که بانه در و کنند و چون می
گشت یک جریب زمین را در زیر خود میکشفت و چون بغی کرد و
کافر شد و بر مردم ستم کرد حق تعالی بر آنکس بخت برادر بلاست او شیری را
مانند فیل و گریه را مانند شتر و گریه را مانند دراز گوش و در اول
خلقت این حیوانات چنین برزاق بودند پس خداوند قهار اینها را
بر او مشط گردانید تا او را کشتند و بدینکه خدا فرعون و مایان کشت
یعنی ابوبکر و عمر و قارون را در زمین فرو برد یعنی عشان بقرینه
اینکه بعد از این شکایت فرمود از اینها که غضب حق او کردند
و فرمود که توبه ایشان مقبول نیست و ایشان در عذاب خدا هستند

در سراج تا بگویند روند و چه بسیار شبیه است مثل قایم ال محمد ص بوسی آنکه
پنهان متولد شد و پیوسته از عیون و اصحاب او پنهان و ترسان بود تا
ظاهر شد و برایشان غالب گردید و قایم آن نیز چندین بود از سرش و چنان
خواهد بود خروجش و ظهورش ان شاء الله و در معانی الاخبار از مفضل
روایت کرده است که حضرت صادق ع فرمود که حضرت رسول ص روز
نظر کرد بر رسول علی حسن و حسین صلوات الله علیه و پس گریست
فرمود که ثانی ما نماند که ضعیف خواهند گردانید بعد از من مفضل پرسید
همه از حضرت رسول ص از این سخن چه بود حضرت فرمود یعنی ثانی امامان
خواهید بود بعد از من چنانچه حق تعالی فرموده است و نزدیکان نعمت علی
الذین استغفروا فی الارض و نجعلهم ائمة تا آخر آیه پس خداوند
داده است مستغفرون را که امامان گردانند ایشان را و این آیه جاریست
در ما اهل بیت تا روز قیامت و در هر عصر امامی از ما خواهد بود و اینها
از حضرت امیر المومنان ع روایت کرده است که این آیه در شان
ماست و این ما هم بار و شیخ طبرسی در بکیران بسند ما از بعضی از بزرگان

روایت کرده اند که فرمود بحق خداوندی که دانه را دانه را شکافته است و گینه
روانیده و خلا بقی را آفریده که البته این دنیا غلله بیل خواهد کرد و مهر
خواهد شد بر بعد از چوشتی چنانچه تا قدر نور در میان گیرند مهربان نشود
با فرزندان خود پس حضرت این آیه را تلاوت فرمود و خدای تعالی روایت
کرده است که روزی حضرت امام محمد باقر علیه السلام کرد حضرت صادق
و فرمود بخداوند که این آیه از شماست که خدا را سبزه آیه فرموده است
و این آیه را خواند و ایضا از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است
که فرمود بحق خداوندی که محمد را بحق فرستاده است که نیکوکاران از ما
اهل بیت و شیعیان ایشان بمنزله فرعون و اتباع او بند و فرات بن ابراهیم روایت
کرده است از تو بر این ابی فاحشه که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
فرمود که قرآن بخوان من سوره طه را بخوانم چون بانجا رسیدم
رو بجهنم الوارثین حضرت فرمود پس است و فرمود بحق
خداوندی که محمد را فرستاده است که ابرار از ما اهل بیت و شیعیان

با منزه موسی و شعیان او بند و علی بن ابراهیم و بکران روایت
کرده اند از منزهال بن عمرو که بعد از موته شهادت حضرت امام حسین ^{علیه السلام}
از حضرت امام زین العابدین ^{علیه السلام} پرسید که چگونه صبح کرده فزود که صبح
در میان قوم خور مانند بنی اسرائیل در میان کال فرعون که میکشتند در آن
مار و اسیر میکنند زنان مار و اخبار در نزول این آیات در آن اهل
بیت ^{علیهم السلام} بسیار است و در احوال حضرت قائم ^{علیه السلام} اندک و خواهد شد ان شاء الله
و تطبیق این تاویلات بر آیات بنحویکه در آیات فصول سابقه ذکر
کرده ایم نهایت وضوح دارد و در ویم ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله
والمستضعفین من الرجال والنساء والولدان الذین یقولون
ربنا اخرجنا من هذا القرية الظالم اهلها وجعل لنا من کُلّ ملک
ولیا وجعل لنا من لدنک نصیرا یعنی چیست شما که کارزار و قتال
نمیکنید در راه خدا و در راه آنها که ضعیف گردانیده اند ایشان را برادر
و زنان آنها که میگویند اسیر و در کار ما بیرون بر ما از این قریه که
اهل آن و بکران از برادران نیز خود را و برادران از برادران خود

باز کنند و اگر سفسطیون گفته اند که این ضعیفان جماعتی اند که بدین
کوفتار بوزند بسبب اسلام کافران و ایشان را عذاب و شکنجه میکردند و
قدرت بر هجرت بدین نداشتند حق تعالی تحریر بر قتل کافران نموده
که ایشان را خلاص نمایند از ظلم انبیا و عیاشی بر وایت معتبر از حضرت صادق
و باقر علیهما السلام روایت کرده است که این آیه در شان اهل بیت
عم است که ظالمان این است ایشان را ضعیف گردانیده اند و اوری ندارند
حق تعالی امر کرده است مسلمانان را که در راه ایشان جهاد کنند و ایشان را بر دشمنان
یا در پیوند ایشان را با خدا مقرون گردانیدن باین تاویل النسب است
بنابر تاویل ممکن است که مرد از قریه مدینه طلبیه باشند و لهذا حضرت امیر از
انجا بکوفه هجرت فرمود و اهل کوفه یا در پی حضرت کردند یا آنکه این تاویل بطریق
است و منافات با ظاهر این ندارد سیم وعد الله الدین امنوا منکم و
عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الدین من
قبلهم ولیکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلناهم من بعد
خوفهم امننا بعد و ننبی لا یشرکون بی شیء و من کفر بعد ذالک

پس چگونه بود انکار منبر ایشان این شهر الثوب و این مایه بار و فرات و غیر
 ایشان بسند و بسیار روایت کرده اند از امام محمد باقر و امام جعفر صادق که
 ما عیم انما که خدا در این آیه فرمود است و ایضا این مایه بار بسند معتبر از حضرت موسی
 بن جعفر روایت کرده است که فرمود روزی نزد پدرم امام جعفر ع بودم
 در مسجد ناکاه مردی آمد و نزد آن حضرت ایستاد و گفت افریزند رسول خدا
 بر من دشوار است فرمودند این آیه در کتاب خدای عز و جل و از جابر جعفی
 سؤال کردم مرا از آن دعوی که از شما سؤال کنم حضرت فرمود که کدام است آن آیه
 گفت انین مکننا هم آخر آیه فرمود بی درش نماند شده است و پیش
 است که ابو بکر و عمر و جمعی دیگر ایشان که حضرت همه را نام بردند نزد
 حضرت رسول ص و گفتند یا رسول الله این امر یعنی امامت و خلافت بعد از تو
 بکس خواهد بود بخدا سوگند که اگر مردی از اهل بیت تو برسد مایه ترسیم ایشان
 بر جان خود و اگر بغیر ایشان برسدش بدتر و یک تر و مهبران تر باشند ما پس
 در غضب شد حضرت از این سخنان غضب شد بدین فرمود بخدا
 سوگند که اگر خدا ایشان را متمکن گرداند در زمین البته بر ما میدارند نماز

در وقتش وادان کنند زکوة را در محبتش و البته مرا کنند به نیکیها و نه کنند
از بدینا البته خدا بخالت مذلت همانند بینی مروانی چند را که دشمن دارند خدا
و دشمن دارند اهل بیت و فرزندان مرا پس خدا این آیه را فرستاد روان میکند و
فقد کتبت قبلهم تا آخر آیه و ایضا این مایه را از حضرت باقر ع روایت کرده
که آیه اول در شان محمد ص و اصحاب او نازل شد است که خدا این را
پلاش می میدهد در شرق و مغرب زمین و درین حقرا بایشان ظاهر میگردد و
می میراند و ذایل میگردد با و و با صاحب بدعتها باطل را چنانچه سفیهان و
ظالمان حقرا میرانند چنان خواهند کرد که اکثر از ظلم نماند و امر خواهد
کرد مردم را به نیکیها و منع خواهد کرد از بدیها و خدا ایراست عاقبت امور
بنجم افمن وعدناه وعدا حسنا فهو لاقیه کمن مشعنا ه متاعا
الحیوة الدنیا ثم هو یوم القیمة من المحضین یعنی ایایس کسی که وعده
دادیم او را و وعده نیکو پس او ملاقات میکند آن وعده را با و میرسد مثل
کسی است که بهره مند گردانی او را از متاعها زندگانی پس او خواهد بود
در قیامت در خانه رشیدگان از عذاب الله روان لذتها در دنیا با و نفی

نخواهد بخشید این مایه بار روایت کرده است که ایسه آیه در شان امر المومنین
 و حمزه رقت نازل شده است و در یکی از حضرت صادق ع روایت کرده است که وعده
 داده شده عیاشین بسط لب است خدا وعده داده است بهشت را از برابر او و در
 در آخرت پس آنکه در عذاب محظوظ خواهند شد دشمنان آن حضرت اند که حق او را خصب
 کردند در دنیا و بناحق پادشاهی یافتند و خدا ملت دلالت تراشتم بسیر بهم
 ایاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یثبتین لهم الله الحق یعنی زور باشد
 بنمایم این ترا ابتدا و علامت بر خود در افق و اطراف زمین و در جانبها
 ایشان تا ظاهر شود بر ایشان که او است حق این مایه بار از حضرت صادق ع
 روایت کرده است که نمودن در افق تنگ کردن اطراف زمین است بر
 ستیان در زمان حضرت قائم ع و نمودن در جانب ایشان بآست که بعضی
 از ستیان در آن زمان بصورت حیوانات مسخ خواهند شد تا ظاهر شود بر ایشان
 که او است قائم آل محمد ع با او حقست فصل سی ششم در آنکه کلام و کلمات
 در قرآن مجید با اول است باهل بیت ع و ولایت ایشان و آیات در این مقام بسیار
 اول و جعلنا کلمة باقیة فی عقبه لعلمهم بر جعون حق نعم این سخن را بعد از

بلند بکنند که اعمال هم شهر باران شود و اینند خدا چنین کسی با امام میگرداند و حق تعالی جانی
دیگر میفرماید لا تبدیل الکلمات الشیخ عاتق بن ابراهیم گفته است یعنی امامت را کسی غیر
نمی تواند داد و آنهم و آن بعد که الله احدی الطائفتین اتها لکم و تودون ان
غیر ذلک الشوکه نکلون لکم و یرید الله ان یحق الحق بکلماته و یقطع طبر
الکافرین لیحق الحق ویبطل الباطل ولو کنه الحرج مون یعنی و باد آورده فنی را
در جنگ بدر که و غده میداد شما را خدایکی از دو طایفه که ان از بر شما باشد یکی قافله
قریش که مال با ایشان بود و دیگر لشکر قریش که با حرب و صلاح بر سر شما آمدند و شما
میداشتید قافله مال که شوکت یعنی حرب و دلاّت جنگ نمداشتند بیه با برای شما
و منجاست خدا ثابت گرداند حق الله و غالب سازد دین حق را بکلمات خود مقتضی
گفته اند که مراد از کلمات و جبرها خداست با تقدیرات یا امر کردن مملکت یا امر مومنان و غل
بن ابراهیم روایت کرده است که مراد از کلمات ما الله و قطع کند و بتردند کافران
را و محقق این سر اهل دل گرداند تا آنکه ثابت گرداند دین حق را و باطل و بر طرف کند
دین باطل را هر چند نخواهند مجربان و کافران و عیاشی از جا بر روایت کرده است
که از امام محمد باقر ع بر سیدم از تفسیر ابراهیم حضرت فرمود تفسیرش در باطل

آنکه خدا مرا اراده کرده است و مقدر ساخته است که حق ال محمد ثابت گرداند و
ایشان بر گرداند و کلمه خدا را بطن آیه علی بن ابیطالب و مراد از کافران بنی امیه
که خدا این را مستاصل خواهد کرد و مراد از الحق الحق حق ال محمد است و زمان قائم باین خواهد
گشت و یبطل الباطل این است چنانچه حضرت قائم عظمای نور بنی امیه را از ایل و ناچیز
خواهد کرد و در پیشه ایشان را خواهد کند و مؤلف کوبه موافق ظاهر آیه نیز چنانچه علی بن ابی تراب
روایت کرده است کلمات الله الله اند علیه آیه منطلق است زیرا که عمده فتح بدر بر دست
حضرت رسول و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما جاریست چنانکه
بجک بدر مذکور شد و هم فان یشاء الله یختم علی قلبک و یوحی الله الباطل
و یحق الحق بکلماته الله علیه بذات الصدور و یفی بینه معتبر روایت کرده است
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام گفت حق تعالی بر دشمنان خود که در میان ایشان
و تکیه حضرت رسول و ادانها گفته او سرگردانند قل ما اسألكم علیه من جبر و ما
انما من المتکلفین یعنی بگو یا محمد منافقان که من از رسالت الهی و رسالت
من است و شما نیز میخواهید بر الهی میدانم که شما از قبول نیلید و نیستیم من تکلف کننده
مزد چیز بر الهی شما را در مکره اید و اهل ان نیستید از ما طلب کنم پس منافقان ابو بکر عمر

و احزاب اینان بایکدیگر گفتند که ایابن نبیست محمد که بیت سال لما مفسر و حکم خور
 الحال میخواهد اهل بیت خود را بر گردان ما سوار کند و روح گفته است خدا این الکفتم است
 این از خود میگوید و میخواهد اهل بیت خود را بر ما مستطند انداخته نشاند و در با میرا خلافت
 از اهل بیت او خواهیم گرفت و هرگز این سخن خواهیم داد پس خواست از اهل بیت خود
 با شجره سینهار ایشان بود و پیون میگردند و فرمود ام یقولون افتروی علی الله کذابا
 یعنی بلکه میگویند افترا بسته است خدا بد و غ فان لیشاء الله یختم علی قلبک یعنی
 اگر خدا میخواهد هرگز بر دل تو حضرت فرمود یعنی الزیجر استم و حی الزیجر من میگردم
 پس خبر میداد مردم را بفضیلت اهل بیت خود و بدوستی ایشان پس فرمود بحواله
 الباطل و یحق الحق بطلان الله ان الله بذلت الصلوة و حضرت فرمود یعنی خلافت میداند
 اینان بنوان کرده اند در دنیا خود از عدالت اهل بیت تو و ظلم اینان بعد از تو
 یا زعموا لولا کلمة الفصل لقضی بینهما گفته اند یعنی الزیجر ان الله فضل پیوسته و
 که فرمود که حکم فصل و قیامت میان خلق بشود هر آینه حکم میان ایشان در دنیا میشود
 کافران عذاب نازل میشد علی بن ابراهیم و این کرده است که مراد از کلمه انهم آهوان
 الظالمین یعنی آنجا کهستم که عذاب بر این کلمه لهم عذاب الیم برابر ایشان است عذاب

رسول خدا و ائمه خلد صلوات الله عليهم در حال حیات و بعد از وفات واجب است در ایستادن
 واجب تعظیم هر چه منسوب است ایشان از استاده شرفه و ضریح مقدس ایشان و تشریف
 و اخبار ایشان زیرا که تعظیم ایشان بزرگوار در فصل سنی و هشتم در تاول ایستادن
 معروف و احسان و فسطاط بران بولایت ائمه ۴ و تاول کفر و فسوق و عصیان و
 فحشاء و منکر و ابغی بعد از وفات و ترک ولایت ایشان و آیات در این باب بسیار است
 اول یای الله یا صریح العدل و الاحسان و ایثار ذی القربى و ینهى عن الفحشاء
 والمنکر و ابغی بعقلکم لعلکم تتقون یعنی بدستیکه خدا امر میکند بعد از وفات و نیکو
 کار و خطا کردن بخوبیشان و نهی میکند از کار زشت و ناپسندیده و ظلم و پند میدهد
 شما را خدایا بدیند گیرید علی بن ابراهیم گفته است در عدل که او امر لا اله الا
 الله محمد رسول الله است و احسان نامیر المومنین ۲ ابغی و فحشاء و منکر ابابو
 بکر و عمر و عثمان است و در ارشاد القلوب از حضرت باقر ع روایت کرده است
 که عدل شهادت توحید و رسالت است و ایثار ذی القربى حس و حب و ایثار
 از فرزندان حس ۴ است و فحشاء و منکر و ابغی از اینهاست که ستم کردند بر این ملت
 و کشتند ایشان را و غصب حق ایشان کردند و عیاشی از حضرت صادق ع روایت

ایشان و ذریه ایشان و از آنکه بر طریق ایشان باشند و از ابان اخبار ایشان و علل آن

کرم است عدل شهادت توحید است و ابتداء ذی القربی القریب است بر امامی امامت است
بما بعد از خود بدید و فحشا و منکر و بغی و نایب است و توحید و اجتناب از فحشا و منکر و بغی و نایب است
شهادتین است و احسان و ولایت امیر المؤمنین است و فحشا و منکر و بغی و نایب است
و بغی عثمان است و بر وایت دیگر فرمود که عدل محمد است و پس هر که اطاعت او کند
عدل است کرم است و احسان علی است هر ولایت او را اختیار کند احسان کرده است
و محسوس است و ابتداء ذی القربی رعایت قرابت است امامت امر کرده است و خداوند
ما و فرزندان ما و نخی کریم مردم را از فحشا و منکر و بغی یعنی کسب نیکه بغی و ظلم کنند ما و مردم
ما و غیر ما خوانند و فرات بن ابراهیم از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که عدل رسول خدا
و احسان امیر المؤمنین است و ذی القربی قاطبه است صلوات الله علیه و السلام و تیم
ضرب الله مثلا رجلین احدهما ابکم لا یقدر علی شیء و هو کل علی مولیه
اینها وجهه لایات بخیر هل یستوی هو و من یأمر بالعدل و هو علی
صراط المستقیم یعنی زرد خد مثل دو مرد یکی از آن دو کنگ است و قادر نیست بر چیزی
و آن کران بار است بر نافر خود و هر جا که او را متوجه میکردند از او هیچ چیز را نایب
او و کسیکه امر میکند بعدالت و او است بر راه راست و بعضی از مفسرین گفته اند که حق تعالی

اینج مثلها بر سر خود زده است و بعضی گفته اند بر کافر و مؤمن زده است و علی بن
روایت کرده است که این مثل بر امیر المومنین و ائمه عم و خاصان حق ایشان است
زیر که امیر المومنین و ائمه ۱۲ میگردند مردم را بعد از آن در احوال و افعال و برادران
بودند که طریق من و ایشان بود و ابو بکر و عمرو و سیر ائمه جورال از میان حق و با
خلق و هیچ امر از امور خدا از ایشان متمشی نشد چگونه اینها با آنها برابر باشند
و بنا بر این تاویل محکم است که مراد از آقا خدا باشد با حضرت رسول ص زیرا که حضرت رسول
بهر جنبه که آنها را فرستاد که نجات دهند و هیچ امر خیر بر دست ایشان جاری نشده و تطایف
این تفسیر آیه از تفاسیر دیگر بیشتر است بجهات بسیار سیم و او فوا با العهد
ان العهد کان مسنوءا و او فوا الکیل انما کلمه و ز نو با القسطاس السقیم
ذلك خیر و احسن تاویل یعنی وفا کنید بعهود و پیمان بدینکه از عهد سوال
خواهند کرد در قیامت و تمام به پیمائید پیمان را چون کیل نمایند و بنجید به ترازوگر
ان بهتر و نیکوتر است از جهة تاویل و عاقبت سید بن طاووس در تفسیر این مایه را روایت
کرده است که حضرت کاظم از پدرش ع که مراد بعد از آن عهد است حضرت رسول ص مردم که
بر مودت ما اهل بیت ع و اطاعت امیر المومنین ع و اینکه مخالفت او نکنند و بر او بشی
نکینند

محل رحمت الهی اند فلنگه این نه حزرب الله وبقیة الله و محل علوم انبیاء و آیات در این
 بسیار است اول و لو شاء ربك فجعل الناس امّة واحدة و لا یزالون مختلفین
 الا مودی رحمتك و لذلك خلقهم یعنی اگر میخواست پروردگار تو هر آینه میکرد ایند
 امت واحد یعنی بر یک دین و یک مذهب و پیوسته این ن خواهند بود در دین
 مختلف مگر آنکه راحم کند پروردگار تو و از برای این آفرید این نرا و بدانکه خلاف است
 که اسم ایشان در ذلک راجع است باختلاف یعنی این نرا برابر اختلاف
 آفریده یا بر حرم یعنی این نرا از برای راحم کردن آفرید و قول ما خیر نسبت است به ما
 و سیر عدلیه و احادیث معتبره نیز بر این دلالت دارد چنانچه علی بن ابراهیم از حضرت
 روایت کرده اند که یعنی پیوسته این ن مختلف خواهند بود در دین مگر آنکه راحم کند پروردگار تو
 یعنی آل محمد و شیعیان و اتباع ایشان و لذلك خلقهم یعنی خدا انهم و شیعیان را از اهل رحمت
 خلق کرده است که در دین اختلاف نمیکند و عیاشی روایت کرده است که درین از حضرت
 امام زین العابدین علیه السلام از تقیر این سؤال کرد حضرت فرمود که آنکه اختلاف میکنند مراد آنهاست
 که مخالفت نمایند از این امت و هم ایشان یکدیگر اختلاف کرده اند در دین و آنها
 خدا برایشان رحم کرده است و دوستان ما بعد از مؤمنان و خدا ایشان را از طینت خلق

کرده است که شنیده قول ابراهیم را بارت اجعل هذا امنا وازق اهلہ من
الثمرات من امن منهم باللہ والیوم الاخر یعنی پروردگار بگردان این را یعنی
مکہ را شہر محل البنی وروز رزہ اہلش را از سبویہ ہا بہر کہ ایمان بیاورد از این نجات
در روز قیامت حضرت فرمود کہ مراد ما یم و دوستان و شیعیان وصی او قال ومن کفر فامتنع
قلیلا ثم اضطره الى غلب النار وحق نعم فرمود کہ ہر کہ کافر باشد پس اورا متمنع
میگرداند اندک در دنیا پس مضطرب میگردد انہم اورا بسور عذاب جویم حضرت فرمود کہ فرأ
بکافر ان کسی است کہ انکار وصی حضرت ابراہیم کرد و متابعت وصی او نکرد از امت او
و بخدا سوگند کہ حال این امت نیز چنین است یعنی انہا کہ متابعت پیغمبر خود کردند بخدا
میسپا بند و داخل مؤمنانند و انہا کہ متابعت وصی او کردند کافر اند و چند روزی
ان حضرت از نعمتہا در دنیا بہرہ میبرد و باز گشت اینان در آخرت سوارانش است
در توحید از حضرت صادق ع روایت کردہ است در تفسیر و الذلک خلقکم یعنی خلق کرد
این نرا بر آنکہ بکنند کار کہ ان مستوجب رحمت خدا گردند پس این نرا رحم کند
و یوم ان یوم الفصل میقاتیم اجمعین یوم لا یعنی مولی عن مولی شیا و لا
ینصرون الا من رحم اللہ یعنی بدرستیکہ روز فصل یعنی قیامت کہ نیکو بود انہم جدا

و داخل گردان ایشان نزد بهشتیها جاوید که وعده داده ایشان را و هر که شایسته است و زنان
ایشان و فرزندان ایشان بدر سینه توبه غالب و رانگاه دارند از ایشان یعنی بدینها
و هر که را توغکار دارد از بهشتیان روز پس به تحقیق که حرم کرده بر او و آن فیروز بزرگ بدر سینه
انها را کلفت ندانند که میزنند یعنی در روز قیامت که هر آینه غضب و خشم خدا بر شما عظیم
تر است از خشمی که بر خود دارید جمع خوانده میشود ایمان پس لغیر مسوز زید و کلینی
بسنه معتبر از ابو بصیر روایت کرده است که حضرت صادق ع فرمود که خدا را ملاک چند هست
که میریزند کنایه را از پشت شیعان ما چنانکه با دیگر درختان از در فصل خزان میریزد
چنانکه حق تعالی میفرماید و لیستغفرون للثین امنوا یجدوا کونکد که غیر شمار را اراده نموده است
و استغفار ایشان از بهشتیهاست و در عبودیت امام ع روایت کرده است
که فرمود بدر سینه ملاک خدمت کاران شیعان ما ایند پس حضرت ابن آبه را خواند و فرمود
که مراد بمومنان در این آیه اینست که ایمان بولایت ما آورده اند و علی بن ابراهیم بسند معتبر
روایت کرده است که حضرت صادق ع پرسیدند که ملاک خدمت یا فرزندان امام ع
حضرت فرمود بحق آن خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست که البته ملاک در
اسمانها پشترند از عدد در بار خاکی در زمین و در آسمان موضع قدر نیست

مگر آنکه در آن ملکی است که خدا را تسبیح و تقدیس میکنند و در زمین هیچ دشمنی و
 کلوخی نیست مگر آنکه در آن ملکی است که مکر و مکرر است و هر روز عمل آنرا بخدا عرض میکنند
 با آنکه خدا را تا از آن است بآن عمل از او واحد از ملائکه نیست مگر آنکه هر روز تقرب
 میجوید بسو خدا با ظهور ولایت ما اهل بیت و طلب آمرزش میکنند از برادر دستان
 و شیعیان ما و لعنت میکنند دشمنان ما را و از خدا سؤال میکنند برای آن نفرستد
 عذاب را فرستادن عذاب شدیدی و ایضا روایت کرده است از حضرت باقر علیه السلام
 و کذا لک حقیقت کلمه در تب علی الذین کفروا اثم اصحاب النار یعنی و همچنین
 لازم شده است حکم پروردگار تو بر آنها که کافر شدند و بدستیکه این اصحاب
 جهنم اند حضرت فرمود که یعنی بنی امیه و قول حق نعم الذین یحملون العرش را
 رسول خدا و او صبار بعد از اوست که حامل عرش علم حق نعم اند و من حوله و مرا
 ملائکه اند که تسبیح و تترید و حمد میکنند خدا را و طلب آمرزش میکنند از برادر آنها
 که ایمان آورده اند یعنی شیعیان آل محمد فاخضر للذین تابوا یعنی پس بیا بر آنها
 که توبه کرده اند از ولایت و محبت ابوبکر و عمر و جمیع بنی امیه و تتبعوا سبیلک
 یعنی و متابعت کرده اند علی خدا امیر المؤمنین را و من صلح من ابائکم تا آخر آیه

یعنی هر که صالح و شایسته است از پدران و فرزندان و زنان این حضرت فرموده صالح
این است که ولایت علی بن ابیطالب را اختیار کرده اند و اقرار با امامت
او و فرزندانش نموده اند و قهیم السبب است و من تق السبب است یومئذ فقد حمته
یعنی هر که از برابر ولایت آنها نگاه دارد در دنیا پس البته محل رحمت تو خواهد بود و دنیا
و این است فوز عظیم بر هر کسی که از ولایت و محبت دشمنان ال محمد ص نجات یابد پس فرمود
ان الذین کفروا بعز بنی امیه اذ تدعون الی الایمان فکفروا مراد با ایمان علی بن
ابطالب است و این مایه را مجموع این مضامین را با اختصار از جابر جعفی از امام
محمد باقر روایت کرده است و ایضا از حضرت امیر المومنین روایت کرده اگر فرمود
فضیلت من بر رسول خدا نازل شد و در ضمن این آیه الذین یحملون العرش
تا آخر آیه زیرا که در وقتیکه این آیه نازل شد بغیر از من کسی با حضرت ایمان
نیاورده بود و ایضا از حضرت باقر روایت کرده است که ملائکه در مدت هفت سال
و چند ماه استغفار نمیکردند که از برابر رسول خدا ص و از برابر من در حق ما نازل شد
این آیات و در آنوقت موسی غیر از ما نبود و ایضا از طریق مخالفان روایت کرده
که ملائکه سالها صلوات بر علی میفرستادند زیرا که بغیر از آن حضرت کسی ایمان

کرد به نیکو و پاکدار را با تکذیب کنندگان صاحبان نعمت و مصلحت در این نژاد نکند زانچه
ابن ابیاری روایت کرده است که صبر کسر با محمد بر تکذیبی که تو را میکنند بدرستی که من انتقام
خواهم کشید بر کسی که از تو بدو رسد و او قایم من است که مسدود خواهم کرد او را بر خونهای ظالمان
و کلبی از حضرت کاظم ۱۲ روایت کرده است که یعنی صبر کسر برای منافقان در حق تو
که دور کنی از ایشان و بر گردی نیکو و پاکدار را که تکذیب تو میکنند در غضب کردن
و حق تو علی ۴ و بسند معتبر از آنحضرت ۱۲ روایت کرده است که حق نعم در این آیه اگر کرده است
بغیر خود را صبر تا آنکه نسبتها بسیار بد باو دادند و با امر الله صبر کرد و در احتیاج از حضرت
امیر المومنین ۴ روایت کرده است که حضرت رسول ۳ بی سوخته با منافقان صحابه را
میکردند و تا لب قلب ایشان نمیداد و نزدیک خود را طلبید و در جانب راست خود
ایشان را می نشستند تا آنکه خدا او را امر کرد در دور کردن ایشان و فرمود و اجمع
هجر اجمیلا فصل جمل و تیم در بیان آیات است که در مظهر صفت اعظم نازل شده است
و آنها بسیار است اول الله احب الناس ان یتروا ان یقولوا امتا و هم کایفتنوا
و لقد فتننا الذین من قبلهم فلیعلمن الله الذین صدقوا و لیعلمن الکاذبین ام
حسب الذین یعلمون السیئات ان یسبقونا ساء ما یحکمون یعنی ایا

پیدا شدند مردمان که این نژاد را میبگذارند همینکه میگفتند که ایمان آوردیم و این استیلا
 کرده نمیشوند و بتحقیق که متحن کردیم آنها را که بودند پیش از این پس بر آینه بدانند خدا را
 راست گفتند و هر آینه بدانند البته دروغ گویند ایمان ندارند آنها که میکنند اعمال بد را
 از دست مابدر بروند و ما این نژاد عذاب نخواهیم کرد و حکمی است میکنند این را از
 حضرت امیر المومنین ع و امام جعفر صادق ع استقول استخوان فلیعلن هر روز از
 افعال میخوانند بضم یا و کسر لام و در احادیث وارد شده است این روایت در باب فتنه
 حضرت رسول ص نازل شد که غصب خلافت از حضرت امیر المومنین ع کردند که اگر آنها
 در غدیر خم با امیر المومنین ع بیعت کرده بودند تابع دنیا شدند و بیعت را شکستند و من
 و منافق از هم جدا شدند چنانچه شیخ مفید ره در این روایت کرده است هر جمع منافقان
 صحابه با ابوبکر لعین بیعت کردند در این بخدمت امیر المومنین ع و آنحضرت علیه
 در دست داشت و قبر مطهر حضرت رسول ص را در دست میگرد گفت همه ابوبکر بیعت
 کردند و آنها چون اختلاف در میان ایشان بهم رسید محذول شدند و جماعت
 طلقاء که منافق بودند و بزور ایمان آورده بودند فرصت را غنیمت شمردند و زور
 با ابوبکر بیعت کردند که مبادا خلافت بشمار برسد چون این سخن را نام کرد حضرت بر

برزیل گذاشت و این آیات خواند تا ساء ما بحکون و این امیر از حضرت امام حسین ۴
روایت کرده است ۵ چون آنکه کریمه آل محمد حبیب الناس نازل شد حضرت امیر ۴ سوال
کرد از رسول که این فتنه که حق تعالی فرموده است کدام است حضرت فرمود که با علی توئی که
مردم را باست تو حق تعالی امتلا و امتحا کرده است و تو در این باب خشمی خواهی کرد یا نه
که غصب خلافت تو کنند و باست تو قابل شوند پس مهیا گردان حجت خود را بر
خصوصت و ایضا پس معتبر از حضرت صادق ۲ روایت کرده است حضرت رسول ۳
شب در مسجد ماند جمعی نزدیک صبح شد حضرت امیر المؤمنین ۴ داخل مسجد پس
حضرت رسول ۳ او را ندان کرد که با علی گفت لبیک فرمود بیا بسو من چون نزدیک
حضرت فرمود با علی تمام این شب را که دیدم در اینجا بسو و مردم و هزار حاجت خود را از
سوال کردم و هم برابر او در مثل آنها را نیز از بر او سوال کردم و باز هم اعطا کرد
سوال کردم از بر او تو که همه امت را مجتمع گرداند بر امامت تو که همه اقرار کنند
بخلافت تو و تو را متابعت کنند قبول فرم این آیات را فرستاد آل محمد حبیب
تا آخرت و اینها از سر روایت کرده است که الدین صدقوا علی او و احکام
او است و لیعلمن الکاذبین دشمنان اوند که در دجور ایمان ابرو خود بودند ۶

وقل الحق من ربكم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر انا احدثنا المصا
لين نارا احاط بهم سرادقها يعني وگویا محمد که حق از پروردگار است پس
خواهد ایمان بیاورد و کسیکه خواهد که کافر شود بدستیکه ما آماده کرده ایم بر ظالمان آتش
که احاطه کرده است بایشان سرادقها نارا آن آتش کلینی و علی بن ابراهیم و عیاضی روایت
کرده است و بسند ما از حضرت باقر و صادق علیهما السلام که مراد بحق و بایت علی بن
و مراد بظالمان ستم کاران بر آل محمدند و آیه چنین نازل شده است انا احدثنا المصا
لین ال محمد حقهم نارا یعنی ما مهیا کرده ایم بر ستمکاران که خصم حق آل محمد کرده
اند جزیم و این ما مهیار از حضرت صادق و روایت کرده است آیه چنین نازل شده است
قل الحق من ربكم في ولاية علي تا اینجا که انا احدثنا المصا لین ال محمد حقهم نارا
و معنی همانست که شد ستم اندن للدين یقاتلون بائتم ظلموا و ان الله
على انصرهم لقدیر الدین اخر جوامع دیار هم غیر حق آنرا ان يقولون بنا
یعنی نخست داده شد برابر آنها که بایشان قتال میکنند کافران که ایشان نیز
قتال کنند بسبب آنکه ستم کردند کافران بایشان و بدستیکه خدا بر ماری
ایشان البته فارست آنها که بیرون کرده شدند از دیار و خانه ها خود بناحق و

بیست هزار کس از ایشان بطاعتون مرند و از ناحیهی بودند که حق تعالی میداند که
 ایمان نخواهند آورد و از سلسله ایشان مومنی بهم نخواهد رسید تمام نزد حدیث
 بنا بر این دو آیه هیچ تکلیفی در کار نیست سیم و از قلنا للذین انکه اسجدوا لآدم
 فسجدوا الا ابلیس ابی و استکبر و کان من الکافرین یعنی یاد آور آن وقتی
 که گفتیم مرطک که اسجد کنی از برای آدم پس سجده کردند مگر شیطان ابدا و
 تکرر نمود و بود از جمله کافران کلینی بسند معتبر از موسی بن جعفر روایت کرده است که
 چشم حضرت رسول ص در خواب زد که ابوبکر و عمر و بنی امیه بر پیش بالامروند بسیار
 دشوارند که بعد از او غصب کنند حق وصی او را پس حق تعالی این آیه بر او نازل کرد
 فرستاد و وحی کرد سو که با محمد من امر کردم و اطاعت من کردند پس جزع عکس تو را
 اطاعت تو نکنند در حق تو و وصی تو چهارم ان الذین کفروا وظلموا لم یکن الله
 لیغفر لهم ولا یهدیهم طریقا الا طریق جهنم خالدين فیها ابدا و کان
 قال علی الله یسیر یا ایها الناس قد جاءکم الرسول با الحق من ربکم
 فآمنوا خیرکم ان تکفروا فان الله ما فی السموات والارض وکان الله
 علیما حکیمای یعنی بدستیکه انکه کافر شدند و کفر کردند نخواهد بود که خدا بیامر و

و نه آنکه بپرسند این نیز ابراهیم مکر را چه جنتهم جاوده خواهند بود در جنتهم همیشه و این
 بخدا آزان اگر کرده آدمیان بتحقیق که آمده است شمار از سولای برستی از پروردگار
 شاپس بگوید که بدتر است از برادرش و اگر کافر شود پس بدرستی که از خدا است هر چه در آید
 ماورین است و هست خدا دانو حکیم علی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که آیه
 چنین نازل شده ان الذین ظلموا ل محمد حقهم یعنی بدرستی که آنهاستم که زید بر آل محمد
 و حق این نرا گرفته اند و آیه دیگر چنین است بیما ایها الناس قد جاءکم الرسول
 بالحق من ربکم فی ولایة علی فامنعوا خیر الکلم ان تنفروا بولایة علی یعنی
 آمده است پیغمبر و شایسته استی از جانب پروردگار شمار و ولایت علی پس
 بگوید و ایمان بیاورید بولایت علی اگر بدتر است از برادرش و اگر کافر شود بولایت
 علی خدا بر شماست از شما آنچه در آسمان و زمین است همه از او است ششم
 وَنَزَّلْ مِنْ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ
 الا خساراً یعنی فرو میفرستیم از قرآن آنچه او شفا و رحمتی است بر ابروین
 و نمیافزاید ستمکاران را که زیان کار این مایه بار چندین سند از حضرت باقر و صادق
 روایت کرده است که مراد از ظالمان آنهاست که ستم بر آل محمد صکره اند و آیه چنین نازل شده است

ولا يزيد ظالمی ال محمد حقهم الا خساراً هم فهم وما ظلموا واولکین کانوا انفسهم ظلماً
 یعنی وستم نکردند بر ما ولیکن بودند که بر نفسهای خود ستم میکردند کلینی و دیگران از حضرت
 باقر و سلیمان^{کاف} روایت کرده اند که حق تعالی عزیز و منبع نراست از آنکه کسی تو ستم کند که بر او
 ظلم کرده است بلکه خدا را بخود محظوظ گردانیده و ظلم را ظلم خود شمرده یعنی بر امانت و محنت و
 من ستم کرده اند در آن آزار که بایشان رسانیده اند ولیکن بر خود ستم کرده اند که خود را مستحق
 عذاب ابد گردانیده اند من ستم احقر و الدین ظلموا و ازواجهم محلی بن ابراهیم ستم گفته است
 یعنی جمع کنید آنانرا که ستم کردند بر آل محمد و اشیاء و اعیان این سزا نهم و ما انکم
 الرسول فخذوه و ما انکم عنده فانتهوا و انتقوا الله ان الله شديد العقاب یعنی
 آنچه داده است شمارا پیغمبر یعنی ابراهیم گرفته است پس بگیر اگر از آنرا و آنچه منع کند شمار از آن
 ترک کنید و پیرو میزد از عذاب خدا بدستیکه خدا شد بدست عقوبت او این مایه را از
 حضرت امیر المومنین علیه السلام روایت کرده است که یعنی پیرو میزد از خدا و از ظلم آل محمد بدستیکه خدا
 سخت است عقاب او از برای کسی که بایشان ستم کند و قد خاب من حمل ظلماً
 این مایه را از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که یعنی نا امید است از رحمت خدا کسیکه
 متحمل شود ستمی را بر آل محمد یا از هم و لیس انشصر بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل

یعنی البته از برای سبک انتقام یکمشتد بعد از ستمی که بر او واقع شده باشد پس برای این نیست
 راهی بعتاب و عذاب این ماهیار از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که این آیه در شان
 حضرت قائم است که چون ظاهر شود انتقام خواهد خواهر کشید از بنی امیه و از آنجا که
 تکذیب ائمه کرده اند و از انبیا عذاب اینان

داشته اند تمام شد جلد سیم از کتاب

حبوة القلوب بتاریخ بوم

سنة ثمان مائة و ثمان

سنة اقل خلق الله محمد بن

القاسم دعا دار از خواننده

اللهم اغفر لوالدیه و المؤمنین

و المؤمنات

۲۲۲۲۲
۲۲۲۲۲

